احمد توکلی؛ تسویه بدهی اخروی

ایمان ابراهیم‌بای سلامی: شاید از ابتدای آغاز به کار مجلس هشتم احمد توکلی را بتوان خبرسازترین چهره پارلمان نامید. چالش او با لاریجانی بر سر تمدید ریاستش بر مرکز پژوهش های مجلس، اعتراض به معرفی کردان به عنوان وزیر کشور توقیف و رفع توقیف از سایت الف و حلالیت او از سیدحسین موسویان از جمله مواردی بود که این نماینده سرشناس اصولگرا را در کانون توجهات رسانه ها قرار داد. او در هفته گذشته در نامه‌ای به سیدحسین موسویان از او به خاطر تمام اخباری که در سایت الف علیه او منتشر شده بود طلب حلالیت و تاکید کرد که تمام اخبار منتشره در این مورد از قول رئیس جمهور، سخنگوی دولت، وزیر اطلاعات و سخنگوی کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس بوده است. بعد از انتشار این بیانیه بلافاصله دفتر رئیس جمهور ضمن تکذیب اظهارات منتسب به رئیس جمهوری در بیانیه ای اعلام کرد که برخی موارد مندرج در این بیانیه کذب است و خواستار این شد که توکلی به خاطر منتسب کردن اخبار منتشر شده علیه موسویان به رئیس جمهور استغفار کند. دفتر رئیس جمهور همچنین توکلی را متهم به ائتلاف با همفکران موسویان کرد و از او خواست به خاطر ائتلاف هایی که در پیچ و خم مراودات سیاسی شکل می گیرد اظهارات خودش را به رئیس جمهور منتسب نکند و شاید همین موضوع بود که اعضای نژاد در پاسخ به سوال خبرنگاری که ادعا کرد جمعیت ایثارگران که احمد توکلی از نمایندگان منتسب به آن است تصمیم دارند در انتخابات باهم ائتلاف کنند، گفت: «من هم این را شنیدم که برخی گروه های به ظاهر متضاد کنار هم آمده اند، البته مشکلی نیست. در کشور ما آزادی در حد مطلوب است. آنها در فعالیت های سیاسی آرمان های انقلاب صداقت را مد نظر بگیرند، همه توجه کنند برای سرافرازی کشور و تحقق آرمان ها و عزت ملت تلاش کنیم.» احمد توکلی هرچند به عنوان یک نماینده مطرح در مجلس به شمار می رود ولی به هیچ عنوان قدرت و نفوذی که در مجلس هفتم داشت، در مجلس هشتم ندارد. تعویق پیاپی جلسات هیات رئیسه مجلس برای انتخاب رئیس مرکز پژوهش ها بدون دلیل، رای پایین حداد عادل در انتخابات ریاست مجلس که بزرگ ترین حامی اش احمد توکلی بود، افشاگری های او و همفکرانش علیه کردان و رای اعتماد مجلس با وجود همه افشاگری ها نشان داده است که او قدرت مانوری را که در مجلس هفتم داشت به هیچ عنوان در مجلس هشتم ندارد.

هرچند او با رئیس مجلس نسبت خانوادگی دارد ولی کمتر همراهی با خواسته های لاریجانی در صحن مجلس از خود نشان داده و بیشتر نشان داده است که می خواهد به عنوان چهره ای مستقل از قدرت و منتقد در مجلس بماند. او هر زمان رویه ای خلاف خواسته اش را در مجلس ببیند و از چیزی عصبانی باشد برای فروکش کردن این عصبانیت بدون آنکه با کسی حرف بزند بارها از گوشه ای در مجلس به گوشه ای دیگر می رود. هرچند احمد توکلی در بیانیه ای که در دور دوم انتخابات در حمایت از احمدی نژاد منتشر کرد رای به او را زمینه ساز جلوگیری از انحرافات ۱۶ ساله دانسته بود ولی انتقادات جریان موسوم به اصولگرایان تحولخواه در مجلس هشتم به رهبری چه در نقد دولت و چه در انتقاد به نحوه مدیریت لاریجانی بر مجلس بسیار پررنگ تر از سایر گروه ها در مجلس بوده است. به نظر می رسد با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری این نماینده سرشناس تهران حرف های بیشتری برای طرح در مجلس داشته باشد که این خود می تواند نشانه شکاف های عمیقی در جناح اصولگرا باشد که هر روز در قالب فرآیندی نو نمایان می شود.

نگاه

آشفتگی!

پیمان مقدم: رسانه‌های نزدیک به دولت نهم و اصولگرایان در حالی پروژه سوخته افتراق شیخ و سید را راهبری می کنند که شاید در خلوت خود نیک می دانند دمیدن بر این خاکستر هیچ شعله‌ای را به نفع توفیق آنها در انتخابات ۸۸ بر نخواهد افروخت. ناکامی مدعیان معیشت در برداشتن باری از سفره‌های ناتوان ایرانیان، خالی شدن صندوق ذخیره ارزی و نافرمانی بانک مرکزی از تزریق بی‌امان تسهیلات به بازار آشفته اقتصاد کشور را بگذارید در کنار چالش مملت بودن یا نبودن رژیم غاصب قدس تا بفهمید چرا استاندار معزز تهران روزنامه‌های منتقد دولت را شادمانی می‌دهد تا در کوبیدن دولت توفیق داشته‌اند!

آنچه پیش از هر چیز آشکار است دسته‌بندی‌های سیاسی است در میان اصولگرایان که بیش از آنکه منتج از اختلاف سلیقه باشد ناشی از تعلق خاطر به زعمای این جناح است و روزه‌روز بر آشفتگی رفتار سیاسی اصولگرایان دامن می‌زند. اتفاقات چند هفته اخیر به وضوح این حکایت را آشکار می‌کند. مناقشاتی که محور آنها بر مدار مواضع اسفندیار رحیم‌مشایی معاون رئیس جمهور و مدرک علی کردان وزیر کشور کلینه می‌گردد و کار را به جایی می‌رساند که در مجلس اصولگرا ۸۰ امضا برای طرح سوال از رئیس جمهور اصولگرا بنشیند و اصولگرایان بلندپایه همچون آقاتهرانی که همزمان منصب استاد اخلاق در کابینه دولت نهم را هم در اختیار دارد به تکاپو بیندازد تا همتایان سیاسی خود را از این مقال منصرف کند و جناب باهنر همچون همیشه با آن قلت و تشکیکی از راه برسد و امضاها را از رسمیت بیندازد. جالب توجه‌تر از همه تلاش روح‌الله حسینیان دیگر نماینده شهر تهران به جهت انصراف نمایندگان از طرح سوال است. او که چند هفته پیش شدیدترین حملات را به وزیر کشور پیشنهادی رئیس جمهور در جلسه رای اعتماد وارد کرد و البته در انصراف همکاران خود از رای مثبت ره به جایی نبرد امروز در تلاش است نظر مثبت آنها را از طرح سوال برگرداند!

وزیر کشور دولت اصولگرا که ماجرای وزارتش تا کلایه شدیداللحن مدیرمسوول روزنامه کیهان از رئیس جمهور پیش رفت، از مشاهده نوز خدا در جلسه رای اعتماد سخن می گوید اما این هم باعث نمی‌شود روزنامه هوشیار و محیط کیهان بر اوضاع و احوال کشور، بی‌پرده از قرارداد انتقال گاز به امارات (کرمست) ننویسد و بر وزیر کشور و معاون حقوقی رئیس جمهور خرده نگیرد و قرارداد بار دیگر به حالت تعلیق درنیاید. وقتی روزه سکوت رئیس جمهور در باب مواضع مناقشه‌برانگیز مهارن همیشه هم‌راه خود چنان همتایان سیاسی را برآشفته است که برای انصراف از طرح سوال فوریت انتزاع سازمان میراث از نهاد ریاست جمهوری و الحاقش به وزارت ارشاد را به تصویب می‌رساند، حمایت قاطع رئیس جمهور از آن اظهارات ویکسان دانستن سخنان مشایی با موضع دولت، منتقدین را به چه واکنشی وامی دارد؟

حال در کنار این همه آشفتگی طلب، حلالیت احمد توکلی از موسویان دیلمات هسته‌ای اصلاح‌طلب را هم تصور کنید. اصولگرایان که با آن همه های و هوی دریوق و کرنای خیانت و جاسوسی و وطن‌فروشی و خیانت می‌دمیدند و مقامات بالای دست موسویان را هم با انگشت اتهام نشانه می‌رفتند امروز ناچارند از حلالیت‌خواهی زودهنگام همتای خود خرده بگیرند و شاید به دنبال نور خدا باشند که وحدت را بازگرداند و اوضاع را آرام کند.

کسی چه می‌داند که در این آشفتگی از ناطق‌نوری چه سیاستی کارساز خواهد بود؟ او که چند سال قبل به سبب زیاده‌خواهی و حرف‌ناشنوی‌های فرزندان آتشین‌مزاج اصولگرا عطای شیخوخیت را به لقایش بخشید و کناره گرفت، زمزمه است که دوباره بازگشته است تا جریان اصولگرایی را مدیریت کند و کثرت را بر مدار وحدت تنظیم فرماید! کسی چه می‌داند که جریان مهاجرت، قالیباف، ولایتی، حدادعادل و حتی ضرغامی چه پیش‌فرض ذهنی از انتخابات پیش رو دارند و چقدر حاضر به تمکین وحدت خواهند بود؟ اصلا کسی چه می‌داند که وزیر کشور خبرساز دولت نهم چرا چنین مورد حملات پیاپی و شدید جبهه خودی قرار دارد؟ علی کردان از کدام کانال اصولگرایان به منصب وزارت رهنمون شده که حتی نور خدا هم او را رویین‌تن نساخته است؟

حال خود شما هم حق نمی‌دهید با این همه آشفتگی و افتراق، رسانه‌های اصولگرا یکسره و تمام‌وقت به اختلاف اصلاح‌طلبان و بازخوانی استحقاق شیخ یا سید بپردازند. افتراقی که اگر هست هم دیر یا دیرتر به نفع اصلاحات به پایان خواهد رسید.

نگاهی دیگر

گفت‌وگو با هادی سمتی، کارشناس مسائل آمریکا

موافقت ایران؛ تسریع کننده اهداف آمریکا

● مینا علی‌اسلام ●

هوشیار زیباری وزیر امور خارجه عراق گفته است که کشورش در حال گفت‌وگو با ایران و آمریکا برای آغاز دور چهارم مذاکرات است. از سوی دیگر حسن قشقاوی سخنگوی دستگاه دیپلماسی ایران در مورد موافقتنامه امنیتی بغداد-واشنگتن، حاکمیت ملی عراق و حفظ آن را مسأله مورد اهمیت برای ایران دانسته است. به اعتقاد او باید زمینه‌ای فراهم شود تا وضعیت عراق اشغال شده، تبدیل به اعمال حاکمیت ملی در این کشور شود. دیپلماسی ایرانی در گفت‌وگو با دکتر هادی سمتی، کارشناس مسائل آمریکا به بررسی نتایج و دستاوردهای سه دور مذاکره تهران و واشنگتن در مورد عراق و تاثیر ادامه این مذاکرات بر موافقتنامه امنیتی بغداد-واشنگتن پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

***

به اعتقاد شما سه دور مذاکره قبلی ایران و آمریکا با حضور عراق و در خصوص اوضاع این کشور، چه نتایجی در برداشته و بر چه اساسی کشور میزبان برای ادامه این مذاکرات تلاش می کند؟

به نظر می رسد که ایران و آمریکا برای مدتی تلاش داشتند از ادامه مذاکرات دوری کرده و طرف مقابل را در برگزار نشدن دور بعدی مقصر جلوه دهند اما معتقدم دولت بلدا ارزیابی مجددی نسبت به کل فرآیند مذاکرات صورت گرفته انجام دهد تا دستاوردهای به‌دست آمده و اهداف مورد نظر برای آینده، پیش از ورود به دور چهارم، به‌طور دقیق مشخص شود. باید بررسی شود که ایران از این مذاکرات در بهبود وضعیت امنیتی عراق، کاهش تنش بین ایران و آمریکا و رسیدن به چارچوب‌های ثبات بخش در منطقه و عراق، به چه دستاوردهایی رسیده است. در این خصوص به نظر می رسد آمریکاییان توانسته‌اند به بخشی از اهداف خود نائل شوند اما اطمینان ندارم که ایران به همان اندازه به نتیجه رسیده باشد. بهبود نسبی اوضاع عراق، استفاده از پتانسیل ها و امکانات ایران برای ایجاد آرامش و ثبات بیشتر در این کشور و بهره گیری از امنیت نسبی ایجاد شده برای دستیابی به تفاهم سیاسی با دولت مالکی، بخشی از اهداف محقق شده واشنگتن در سایه مذاکرات ایران است.

از سوی دیگر برای آغاز مجدد مذاکرات ایران و آمریکا در مورد عراق، بیش از هر طرف دیگری، عراقی ها اشتیاق دارند، چراکه برنده اصلی این داستان در نهایت دولت عراق خواهد بود؛ در عین حال عراقی ها تلاش دارند با زمینه سازی برای ادامه این مذاکرات، طرف های مذاکره کننده را وارد یک دوره گمانه زنی کرده و به این شکل آنها را نسبت به نیات یکدیگر آگاه سازند.

دور چهارم مذاکرات تهران و واشنگتن چه تاثیری بر امضای توافقنامه امنیتی عراق و آمریکا خواهد داشت؟

ادامه مذاکرات تهران و واشنگتن و تلاش دولت عراق برای زمینه سازی دور چهارم این مذاکرات می تواند در تسریع روند امضای موافقتنامه امنیتی عراق و آمریکا تاثیر گذار باشد، با وجود آنکه این توافقنامه همچنان دربردارنده مشکلاتی از نظر دولت عراق است، اما بی شک مخالفت ایران با امضای آن نیز یکی از موانع پیش روی اجرای این توافقنامه محسوب می شود. با توجه به نقش و جایگاه ایران در منطقه و در بین کشورهای همسایه عراق، مخالفت این کشور با توافقنامه امنیتی می تواند مانعی در برابر اجرای آن باشد، بر همین اساس باید منافع و امنیت ایران در این توافقنامه منظور شود. چندان دور از ذهن نیست که آمریکاییان قصد داشته باشند در چارچوب مذاکرات با تهران پیرامون عراق، ایران را به این امر متقاعد کنند که توافقنامه امنیتی بغداد-واشنگتن برای امنیت و منافع ایران مخاطره آمیز نخواهد بود.

در یک نگرش کلی ادامه مذاکرات تهران و واشنگتن در مورد عراق بر روند به نتیجه رسیدن موافقتنامه امنیتی آمریکا و عراق تاثیر گذار است و شاید بتواند بستر مناسبی را برای رضایت ایران از امضای این موافقتنامه فراهم سازد.

بر چه اساسی مخالفت ایران را مانع اجرایی شدن موافقتنامه امنیتی عراق و آمریکا ارزیابی می کند؟

به طور قطع، نظر دولت و محافل سیاسی عراق برای اجرایی شدن یا اجرایی نشدن موافقتنامه امنیتی بغداد-واشنگتن ملاک اصلی است، اما نفوذ و امکانات ایران به اندازه‌ای است که طرف های درگیر در این موافقتنامه رضایت یا نارضایتی تهران را مهم تلقی می کنند. علاوه بر این، آنها از نقش ایران در تسریع اجرای این موافقتنامه آگاهی دارند. با این وجود تعیین کننده نهایی اجرا یا عدم اجرای موافقتنامه امنیتی عراق و آمریکا، ایران نیست و آیت‌الله سیستانی، جریانات مختلف عراق، اهل سنت و دولت این کشور، مشکلات جدی با توافقنامه امنیتی دارند. آمریکاییان نسبت به این موضوع اطلاع کامل داشته و تلاش دارند ایران را به عنوان یک بازیگر اصلی برای دستیابی به هدف شان متقاعد کنند.

سیاست مجازی

من یک لیبرالم

● ساسان آقایی ●

اگر در همین نزدیکی‌ها، در گرجستان بار دیگر غرب متمدن در برابر شرق متصلب قرار گرفته، در ولاد کستان نیز گویی شوری به وجود آمده است اما در همین دو ماه دست کم ۱۵ خاطره از کار خبری ایرانی‌ها را متشنر کرده که یکی از جذاب‌ترین آنها خاطره خبرنگاری از فراز شهر نیویورک در روز فاجعه بزرگ، ۱۱سپتامبر سیاه است؛ «روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برای انجام یک ماموریت طولانی در نیویورک، از فرودگاه وین عازم این شهر شدم و ساعت ۹ صبح این روز - درست موقع انفجار برج‌های دوقلوی نیویورک - در هواپیما چرت می‌زدم که خلبان هواپیما چرتم را به هم زد و گفت: «حادثه فاجعه‌آمیزی» اتفاق افتاده و یک هواپیما با یک آسمانخراش نیویورک برخورد کرده و ما باید به وین برگردیم و در فرودگاه لندن سوختگیری کنیم. با شم خبری بی‌نظیرم این «فاجعه» را یک «حادثه» معمولی تلقی کردم و به چرت زدنم ادامه دادم. خلبان از برخورد دومین هواپیما با دومین برج مرکز تجارت جهانی نیویورک چیزی نگفت و شم خبری من هم از اینکه چرا برای سوختگیری به جای فرودگاه لندن از فرودگاه منچستر سردر آورده‌ایم، به من کمکی نکرد. دوردستان ندهم پس از ۲۰ ساعت اسارت و سرگردانی در آسمان و زمین حدود ۲۴ ساعت خوابیدم. خواب بودم و خسته، و یک کشور آلمانی زیان. شم خبری وضع دیگری پیدا می‌کند. دلیلی هم برای تماس تلفنی با خانواده‌ام نداشتم، برعکس خانواده‌ام فکر می‌کردند که از دست من در نخستین ساعت شروع ماموریتم رفت‌ه‌اند و در واقعه ۱۱ سپتامبر من نیز به لقاءالله پیوسته‌ام. پس از دو روز پرسه‌زنی، مدیر امور اداری ایرنا به اتاق هتل من تلفن کرد و گفت: چرا با خانواده‌ات تماس نمی‌گیری؟ دارند از نگرانی سکته می‌کنند و پاسخ من این بود: «مگه چی شده؟!»

چون دو بخش بالایی زیادی به درازا کشید، بخش ویگردی‌های آخر را کوتاه و بی‌توضیح می‌نویسم. ابتدا «مهجاه» را انتخاب کنید، با پاسخ‌های کوبنده به پرسش‌هایی انتخابی، سپس هم سری به یک پست روانشناختی «بودن و مجازی بودن» بزنید که شاکی است از اینکه «همه شاکی باشند و کسی کاری نکند.» محمدعلی ابطحی هم نقدی درباره فشار به سریال‌های تلویزیونی دارد و ویلاگ فرهاد جعفری، آخرین لینک‌های اینترنتی درباره کتاب او با نام «کافه پیانو»، راستی آن را خوانده‌اید؟

خاطرات و خطرات خبرنگاران ایرنا» از آن ویلاگ‌هایی است که اگر دوام آورد، در فیدخوان خیلی‌ها قرار خواهد گرفت. این نوروسیه اکنون دو ماهه است اما در همین دو ماه دست کم ۱۵ خاطره از کار خبری ایرانی‌ها را متشنر کرده که یکی از جذاب‌ترین آنها خاطره خبرنگاری از فراز شهر نیویورک در روز فاجعه بزرگ، ۱۱سپتامبر سیاه است؛ «روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برای انجام یک ماموریت طولانی در نیویورک، از فرودگاه وین عازم این شهر شدم و ساعت ۹ صبح این روز - درست موقع انفجار برج‌های دوقلوی نیویورک - در هواپیما چرت می‌زدم که خلبان هواپیما چرتم را به هم زد و گفت: «حادثه فاجعه‌آمیزی» اتفاق افتاده و یک هواپیما با یک آسمانخراش نیویورک برخورد کرده و ما باید به وین برگردیم و در فرودگاه لندن سوختگیری کنیم. با شم خبری بی‌نظیرم این «فاجعه» را یک «حادثه» معمولی تلقی کردم و به چرت زدنم ادامه دادم. خلبان از برخورد دومین هواپیما با دومین برج مرکز تجارت جهانی نیویورک چیزی نگفت و شم خبری من هم از اینکه چرا برای سوختگیری به جای فرودگاه لندن از فرودگاه منچستر سردر آورده‌ایم، به من کمکی نکرد. دوردستان ندهم پس از ۲۰ ساعت اسارت و سرگردانی در آسمان و زمین حدود ۲۴ ساعت خوابیدم. خواب بودم و خسته، و یک کشور آلمانی زیان. شم خبری وضع دیگری پیدا می‌کند. دلیلی هم برای تماس تلفنی با خانواده‌ام نداشتم، برعکس خانواده‌ام فکر می‌کردند که از دست من در نخستین ساعت شروع ماموریتم رفت‌ه‌اند و در واقعه ۱۱ سپتامبر من نیز به لقاءالله پیوسته‌ام. پس از دو روز پرسه‌زنی، مدیر امور اداری ایرنا به اتاق هتل من تلفن کرد و گفت: چرا با خانواده‌ات تماس نمی‌گیری؟ دارند از نگرانی سکته می‌کنند و پاسخ من این بود: «مگه چی شده؟!»

چون دو بخش بالایی زیادی به درازا کشید، بخش ویگردی‌های آخر را کوتاه و بی‌توضیح می‌نویسم. ابتدا «مهجاه» را انتخاب کنید، با پاسخ‌های کوبنده به پرسش‌هایی انتخابی، سپس هم سری به یک پست روانشناختی «بودن و مجازی بودن» بزنید که شاکی است از اینکه «همه شاکی باشند و کسی کاری نکند.» محمدعلی ابطحی هم نقدی درباره فشار به سریال‌های تلویزیونی دارد و ویلاگ فرهاد جعفری، آخرین لینک‌های اینترنتی درباره کتاب او با نام «کافه پیانو»، راستی آن را خوانده‌اید؟

...ران در گفت‌وگو با مازیار بهاری

...راه دیپلماتیک حل می‌شود

● ...اوه شجاعی ●

کشور است و - فعلا - نیازی به سلاح اتمی ندارد. شاه می دانست که اگر تهران بخواهد سلاح اتمی بسازد آمریکایی ها و اروپایی ها با او همکاری نمی کنند. اما من فکر می کنم اگر شاه سقوط نمی کرد برنامه اتمی ایران را به سمت تولید بمب می کشاند چرا که در حال حاضر پاکستان، هندوستان و اسرائیل بمب هسته ای در اختیار دارند.

دولت فعلی ایران هم می گوید اهداف برنامه اتمی اش صلح آمیز است. درباره سیاست اتمی جمهوری اسلامی چه فکر می کنید؟

ممکن است شما بتوانید به بعضی از سیاست های اتمی ایرانی ها ایراد بگیرید، اما فراموش نکنید که غرب تهران را منزوی کرده است. برای مثال آمریکایی ها و اروپایی ها حتی لوازم یدکی هواپیماهای مسافربری ایرانی را، که در دوره شاه خریداری شده اند، تامین نمی کنند. پس ایران مجبور است هواپیماهای دست دوم روسی بخرد و هر سال تعداد زیادی از ایرانی ها قربانی می شوند. اما دانشمندان جوان ایرانی تکنولوژی اتمی را بدون کمک غرب پیش برده اند. من واقعا از این مساله مغرورم.

آمریکایی ها و اروپایی ها اما می گویند ایران باید به خاطر آنچه آژانس بین المللی انرژی اتمی «پنهان کاری» دهه های ۱۹۸۰ و ۹۰ نامیده، از حقش در غنی سازی اورانیوم بگذرد.

این قانونی نیست. من مطمئن نیستم که در گذشته چه اتفاقی افتاده، اما اگر آنها در طول ۲۰ سال گذشته شفاف نبوده اند، به معنای آن نیست که دیگر حق ندارند در چارچوب پیمان منع گسترش سلاح های اتمی به غنی سازی اورانیوم بپردازند. تعداد زیادی از کشورها در گزارش فعالیت هایشان کوتاهی کرده اند اما مجازات نشده اند. ایران در طول پنج سال گذشته کاملا با آژانس همکاری کرده است. غرب فقط «مظنون» است و این ظن هیچ وزن قانونی ندارد.

یعنی فکر نمی کنید که دولت ایران به دنبال بمب اتم باشد؟

من افکار دیگران را نمی خوانم. دولت ایران می گوید که بمب اتم نمی خواهد. اما اعتقاد دارم اگر غرب به همین روند انزوای ایران ادامه دهد آنها جور دیگری برخورد خواهند کرد. در آن صورت ایران چیزی برای از دست دادن ندارد و از تحریم های بیشتر نخواهد ترسید. وقتی اسرائیل ایران را تهدید می کند به این خاطر است که آنها بمب اتم دارند و ایران ندارد.

فکر نمی کنید که اگر غرب، به خصوص آمریکایی ها، به ایران در مورد بقا و امنیتش تضمین بدهند، آنها در پرونده اتمی انعطاف پذیرتر برخورد می کنند؟

قطعا همین طور است. ایران می خواهد مذاکرات اتمی بخشی از یک بسته بزرگ تر باشد که امنیتش را تضمین می کند. اگر غرب بتواند به تهران این اطمینان را بدهد که قصد سرنگونی جمهوری اسلامی را ندارد، ایرانی ها راحت تر مذاکره خواهند کرد. غرب باید از حمایت از تروریسم علیه ایران و گروه هایی نظیر سازمان مجاهدین خلق (منافقین) دست بردارد.

فکر می کنید دو طرف حالا باید چه کار کنند؟

ایران به غرب اعتماد ندارد و برعکس. ایران با پذیرش تعلیق موقت غنی سازی در نوامبر ۲۰۰۴ آمادگی اش را برای همکاری با غرب نشان داد، اما آنها از واکنش غرب ناامید شدند. مناقشه اتمی ایران تنها از راه دیپلماتیک حل می شود. من، مثل هر ایرانی دیگری، هنگامی که دیگر کشورها از حمله به ایران حرف می زنند، احساس می کنم مورد توهین قرار گرفته ام. یک حمله نظامی دولت ایران را تضعیف نمی کند و باعث توقف برنامه اتمی تهران نمی شود. این فقط باعث آغاز یک بحران تازه منطقه ای می شود که معلوم نیست کی به پایان می رسد. وقتی یک کشور در جامعه جهانی پذیرفته می شود بیشتر از گذشته مراقب رفتارش خواهد بود. طرح ها و پیشنهادهای دو طرف باید کاملا شفاف باشد. هیچکس نمی داند که غرب به ایران چه پیشنهادهایی داده و پاسخ تهران چه بوده است. یک سیاست شفاف سران ایران را ترغیب می کند که در برابر افکار عمومی بین المللی پاسخگوتر باشند. اگر غرب این سیاست را در پیش گیرد، می تواند اختلاف فاش را با ایران حل کند، چه در مساله اتمی و چه در زمینه های دیگر.

نگاه

آشفتگی!

پیمان مقدم: رسانه‌های نزدیک به دولت نهم و اصولگرایان در حالی پروژه سوخته افتراق شیخ و سید را راهبری می کنند که شاید در خلوت خود نیک می دانند دمیدن بر این خاکستر هیچ شعله‌ای را به نفع توفیق آنها در انتخابات ۸۸ بر نخواهد افروخت. ناکامی مدعیان معیشت در برداشتن باری از سفره‌های ناتوان ایرانیان، خالی شدن صندوق ذخیره ارزی و نافرمانی بانک مرکزی از تزریق بی‌امان تسهیلات به بازار آشفته اقتصاد کشور را بگذارید در کنار چالش مملت بودن یا نبودن رژیم غاصب قدس تا بفهمید چرا استاندار معزز تهران روزنامه‌های منتقد دولت را شادمانی می‌دهد تا در کوبیدن دولت توفیق داشته‌اند!

آنچه پیش از هر چیز آشکار است دسته‌بندی‌های سیاسی است در میان اصولگرایان که بیش از آنکه منتج از اختلاف سلیقه باشد ناشی از تعلق خاطر به زعمای این جناح است و روزه‌روز بر آشفتگی رفتار سیاسی اصولگرایان دامن می‌زند. اتفاقات چند هفته اخیر به وضوح این حکایت را آشکار می‌کند. مناقشاتی که محور آنها بر مدار مواضع اسفندیار رحیم‌مشایی معاون رئیس جمهور و مدرک علی کردان وزیر کشور کلینه می‌گردد و کار را به جایی می‌رساند که در مجلس اصولگرا ۸۰ امضا برای طرح سوال از رئیس جمهور اصولگرا بنشیند و اصولگرایان بلندپایه همچون آقاتهرانی که همزمان منصب استاد اخلاق در کابینه دولت نهم را هم در اختیار دارد به تکاپو بیندازد تا همتایان سیاسی خود را از این مقال منصرف کند و جناب باهنر همچون همیشه با آن قلت و تشکیکی از راه برسد و امضاها را از رسمیت بیندازد. جالب توجه‌تر از همه تلاش روح‌الله حسینیان دیگر نماینده شهر تهران به جهت انصراف نمایندگان از طرح سوال است. او که چند هفته پیش شدیدترین حملات را به وزیر کشور پیشنهادی رئیس جمهور در جلسه رای اعتماد وارد کرد و البته در انصراف همکاران خود از رای مثبت ره به جایی نبرد امروز در تلاش است نظر مثبت آنها را از طرح سوال برگرداند!

وزیر کشور دولت اصولگرا که ماجرای وزارتش تا کلایه شدیداللحن مدیرمسوول روزنامه کیهان از رئیس جمهور پیش رفت، از مشاهده نوز خدا در جلسه رای اعتماد سخن می گوید اما این هم باعث نمی‌شود روزنامه هوشیار و محیط کیهان بر اوضاع و احوال کشور، بی‌پرده از قرارداد انتقال گاز به امارات (کرمست) ننویسد و بر وزیر کشور و معاون حقوقی رئیس جمهور خرده نگیرد و قرارداد بار دیگر به حالت تعلیق درنیاید. وقتی روزه سکوت رئیس جمهور درباب مواضع مناقشه‌برانگیز مهارن همیشه هم‌راه خود چنان همتایان سیاسی را برآشفته است که برای انصراف از طرح سوال فوریت انتزاع سازمان میراث از نهاد ریاست جمهوری و الحاقش به وزارت ارشاد را به تصویب می‌رساند، حمایت قاطع رئیس جمهور از آن اظهارات ویکسان دانستن سخنان مشایی با موضع دولت، منتقدین را به چه واکنشی وامی دارد؟

حال در کنار این همه آشفتگی طلب، حلالیت احمد توکلی از موسویان دیلمات هسته‌ای اصلاح‌طلب را هم تصور کنید. اصولگرایان که با آن همه های و هوی دریوق و کرنای خیانت و جاسوسی و وطن‌فروشی و خیانت می‌دمیدند و مقامات بالای دست موسویان را هم با انگشت اتهام نشانه می‌رفتند امروز ناچارند از حلالیت‌خواهی زودهنگام همتای خود خرده بگیرند و شاید به دنبال نور خدا باشند که وحدت را بازگرداند و اوضاع را آرام کند.

کسی چه می‌داند که در این آشفتگی از ناطق‌نوری چه سیاستی کارساز خواهد بود؟ او که چند سال قبل به سبب زیاده‌خواهی و حرف‌ناشنوی‌های فرزندان آتشین‌مزاج اصولگرا عطای شیخوخیت را به لقایش بخشید و کناره گرفت، زمزمه است که دوباره بازگشته است تا جریان اصولگرایی را مدیریت کند و کثرت را بر مدار وحدت تنظیم فرماید! کسی چه می‌داند که جریان مهاجرت، قالیباف، ولایتی، حدادعادل و حتی ضرغامی چه پیش‌فرض ذهنی از انتخابات پیش رو دارند و چقدر حاضر به تمکین وحدت خواهند بود؟ اصلا کسی چه می‌داند که وزیر کشور خبرساز دولت نهم چرا چنین مورد حملات پیاپی و شدید جبهه خودی قرار دارد؟ علی کردان از کدام کانال اصولگرایان به منصب وزارت رهنمون شده که حتی نور خدا هم او را رویین‌تن نساخته است؟

حال خود شما هم حق نمی‌دهید با این همه آشفتگی و افتراق، رسانه‌های اصولگرا یکسره و تمام‌وقت به اختلاف اصلاح‌طلبان و بازخوانی استحقاق شیخ یا سید بپردازند. افتراقی که اگر هست هم دیر یا دیرتر به نفع اصلاحات به پایان خواهد رسید.

5 — 8

نگاه ایرانی به انتخابات آمریکا - ۸

برای انتخابات آمریکا چه برنامه‌ای داریم؟

● نعمت احمدی ●

فرض کنیم امشب انتخابات آمریکا با رای گیری در غربی ترین ایالت به اتمام رسیده و درنتیجه گوینده اخبار سراسری از پیروزی یکی از دو رقیب سخن بگوید: مک کین، برنده نهایی انتخابات آمریکا شد. میلیون ها بادبادک در سرتاسر آمریکا خصوصا در ستادهای انتخاباتی جمهوریخواهان این پیروزی استثنایی را جشن خواهند گرفت. بعد از دو دوره مجددا شاهین شانس و اقبال برای سومین دوره جمهوریخواهان را از کاخ سفید خارج نساخت. برنامه‌های مک کین کم و بیش همان برنامه‌های جورج بوش است که از زمانه رونالد ریگان کلید خورد، در می‌دانند که بوش دشمن فرضی جدیدی خلق و این دشمن را آنقدر بزرگ کرد تا رای دهندگان آمریکایی را متقاعد کند که برای تثبیت ابرقدرتی آمریکا باید جنگید، اما هنوز برنامه‌ای نبود. جوانی دور از کاخ سفید به مصاف جورج بوش رفت که ۱۲ سالی می‌شد در پست معاونت و ریاست جمهوری در جشن فروپاشی شوروی و خروج نیروهای ارتش سرخ از افغانستان شرکت کرده بود، او هنوز برنامه‌ای برای دشمن فرضی ترسیم نکرده بود و همین باعث شد از بیل کلینتون دموکرات مخالف جنگ ویتنام شکست بخورد و جمهوریخواهان ۸ سال دور از کاخ سفید، ضلع سوم مثلثی را که سال ها با تکیه بر آن ماشین جنگی خود را هر روز مجهزتر می‌کردند پیدا کند. دو ضلع اولیه، یکی امنیت اسرائیل که از سال ۱۹۴۸ جزو برنامه‌های دولتمردان آمریکا بود و ورود به خلیج فارس و دسترسی آسان به نفت این منطقه که ۶۰ درصد نفت جهان را تامین می‌کند و ضلع سوم که کمونیسم بود فروریخته بود. ظرف ۸ سال جمهوریخواهان ضلع سوم را پیدا کردند، «تروریسم» واژه‌ای که هر فرد آمریکایی تعریفی از آن دارد. چند برنامه از قبل تدارک دیده شده زمینه تروریسم مورد نظر (تئوکان‌ها) را کامل کرد؛ «اسلام» و این اسلام دریک سوی خط خود طالبان را مدیریت می‌کرد و باید سوی دیگر خط کامل می‌شد. جورج بوش پسر با اینکه یک میلیون رای از کل کرد موکرات کمتر آورده بود به کمک لابی اسرائیل و تلوحه‌افظه کاران نشسته در دیوان عالی کشور باید پازل برنامه‌های بعد از فروپاشی شوروی را کامل می‌کرد و ناگهان دیوان عالی کشور، ال گور دموکرات را بازنده جنگ اعلام کرد و جورج بوش را بر مسند ریاست جمهوری نشاند. جمهوریخواهان باید تا سپتامبر ۲۰۰۱ صبر می‌کردند تا ضلع سوم مثلث حکومت آمریکایی کامل شود. حمله به مرکز تجارت جهانی از داخل خاک آمریکا و به وسیله کسانی که پاسپورت آمریکایی در جیب داشتند، اما رنگ و چهره و دینی دیگر، صحبت هایی که از جعبه سیاه هواپیماهایی که بر برج های جهانی روی خروجی خبرگزاری ها قرار گرفت که فردی با لهجه عربی و به زبان انگلیسی وعده بهشت مسلمانان را به مسافران هواپیما می‌داد. حادثه‌ای که کلاف سردرگم واقعیت آن تا هنوز باز نشده، اما ۲۷۵۱ نفر را به کام مرگ فرستاد. ضلع سوم کامل شد و تروریسم به جای کمونیسم، مورد هدف قرار گرفت اما تروریسم بدون مرز، بدون لشکر. تنها اشتراک این تروریسم، دین او بود، با تاسف باید بگویم ضلع سوم اهداف برتری طلبی آمریکا بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر «اسلام» شد، هرچند بعضی از مدعیان مسلمانی بقیه ظاهری را به دست آنها دادند، اما اصل ایدئولوژی اسلام پنهان ماند و مخالفت با مسلمان برملا شد، مک کین با انتخاب یکی از زنان نه چندان معروف آمریکا که با تکیه بر توان خود از شهرداری شهری کوچک به فرمانداری ایالت خریداری شده از روسیه - آلاسکا - رسیده است، کوشش کرد سن بالای خود در عرصه سیاست، ۷۱ سالگی را در پناه جوان بودن سارا پیلین ۴۴ ساله پنهان کند که اگر اتفاقی برای ریاست جمهوری افتاد بتواند برابر قانون اساسی آمریکا سکان اداره این کشور را تا پایان دوره ریاست جمهوری، برعهده بگیرد و با ظرافت آن بخش از آرای مسلمانان را با دموکرات هایی که هوادار هیلاری کلینتون بودند و می‌خواستند در عمر خود به اولین زن رئیس جمهور آمریکا برای دهند را به سوی